

روحانی بند را آب داد، مقامات وزارت بهداشت هنوز انکار می‌کنند

مجموع جانباختگان به ۱۵ هزار و ۷۰۰ نفر افزایش یافت. این آمار وحشتناک مرگ ناشی از بیماری کرونا همانگونه که سازمان ما مکرر اعلام کرده است، نتیجه سیاست ارتجاعی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی است که شیوه مقابله با کووید ۱۹ را در شرایطی که هنوز واکنشی برای آن وجود ندارد، ایجاد ایمنی جمعی از طریق شیوع و گسترش این بیماری تا جایی که لااقل ۷۰ درصد مردم به آن مبتلا شوند، قرار

در صفحه ۳

کشتار وحشتناک مردم ایران در نتیجه ابتلاء به ویروس کرونا، تا اواخر تیرماه به اوج بی سابقه‌ای رسید. در ۳۱ تیرماه وزارت بهداشت اعلام کرد در ۲۴ ساعت گذشته ۲۲۹ نفر از مبتلایان به ویروس کرونا جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری به ۱۴ هزار و ۶۳۴ نفر افزایش یافت. در چند روزی که از مردادماه نیز می‌گذرد آمار مرگ روزانه بیماران کرونائی، اغلب بیش از ۲۰۰ نفر بوده است. تا روز یکشنبه آمار

در هفت‌تپه بساط خصوصی‌سازی باید برچیده شود



باوجود آنکه اعتصاب کارگران مبارز نیشکر هفت‌تپه، روز یکشنبه ۵ تیر ۹۹ وارد چهل و دومین روز خود شد، اما تا این لحظه هیچ‌یک از خواسته‌های کارگران برآورده نشده است. سه تا چهار ماه حقوق عقب‌افتاده کارگران پرداخت نشده است. فریاد گرسنگی کارگران هفت‌تپه، در دل‌سنگ کارفرمای ظالم و ستمگر و حامیان دولتی وی اثری برجای نگذاشته است. دفترچه‌های بیمه نیز عموماً تمدید اعتبار نشده و مشکلات بیمه‌ای و درمانی کارگران ادامه دارد. اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت‌تپه و سایر کارگران اخراجی نیز به سرکار بازنگشته‌اند.

در صفحه ۵

پیامدهای مهلک اقتصادی کرونا بر زنان

در سال ۲۰۱۹ دچار گرسنگی و سوءتغذیه مزمن ناشی از فقر بودند، افزوده خواهد شد. بنا به تحقیقات سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، نزدیک به دو میلیارد نفر در جهان دچار عدم امنیت غذایی و فاقد دسترسی به مواد غذایی با کیفیت و کافی هستند و نزدیک به ۳ میلیارد نفر از رژیم غذایی متعادلی برخوردار نیستند. جهش ناگهانی نرخ بیکاری در سراسر جهان از دیگر نشانه‌های بحران اقتصادی در سراسر جهان بوده است. در آمریکا نرخ بیکاری در ماه

در صفحه ۱۰

شیوع اپیدمی کرونا تنها سلامت و زندگی میلیون‌ها انسان در سراسر جهان را به مخاطره نیافکنده است، بلکه بر تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه بشری تأثیرات ویرانگری بر جای نهاده است. آمارهای چند ماه اخیر و پیش‌بینی‌ها درباره رشد اقتصادی منفی، افزایش نرخ بیکاری، تورم، فقر و گرسنگی ابعاد عظیم این فاجعه را آشکار می‌کند. طبق آخرین گزارش سالانه سازمان ملل متحد (به تاریخ ۱۳ ژوئیه / ۲۳ تیر ماه) در سال جاری ۱۳۰ میلیون نفر دیگر به ۶۹۰ میلیون نفری که

سفری که دستاوردی برای طرفین به همراه نداشت

مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر عراق روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه برای دیدار با مقامات جمهوری اسلامی به ایران سفر کرد و با خامنه‌ای، حسن روحانی، جهانگیری، قالیباف و شمخانی دیدار کرد. وی قرار بود ابتدا به عربستان سعودی سفر کرده و بعد از سفر به عربستان به ایران بیاید که بیماری پادشاه سعودی باعث تعویق سفر او به عربستان گردید. او همچنین قرار است بزودی به آمریکا سفر کرده و با ترامپ دیدار کند. وزرای خارجه، نفت، برق، دارایی، دفاع، بهداشت و مشاور امنیت ملی عراق در این سفر با او همراه بودند.

اولین دیدار الکاظمی در این سفر با حسن روحانی بود که پس از این دیدار کنفرانس خبری برگزار شد. او در این کنفرانس خبری تأکید کرد که دولت عراق می‌خواهد با دولت ایران روابطی دوستانه بر مبنای عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر داشته باشد. او همچنین بر ایجاد توازن و دوری از صف‌بندی سیاسی در روابط خارجی عراق تأکید کرد.

پس از این دیدار وی به دیدار خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی رفت و بار دیگر بر مواضع خود که در کنفرانس خبری اعلام کرده بود تأکید کرد. خامنه‌ای اما در پاسخ به الکاظمی گفت: "ایران هیچ گاه بنای دخالت در امور عراق را نداشته و نخواهد داشت" وی گفت در خصوص روابط عراق و آمریکا، جمهوری اسلامی دخالتی ندارد اما در عین حال نسبت به "رفتار آمریکایی‌ها که موجب فساد و خرابی و ویرانی است"، به نخست‌وزیر عراق هشدار داد! وی همچنین در رابطه با قتل قاسم سلیمانی گفت "جمهوری اسلامی ایران هرگز این موضوع را فراموش نخواهد کرد و قطعاً ضربه متقابل را به آمریکایی‌ها خواهد زد". طنز تاریخ در این است که خامنه‌ای در این دیدار انتقام کشتن قاسم سلیمانی را به الکاظمی یادآوری کرد، فردی که از سوی نماینده این حکومت در عراق یعنی "کتابت حزب‌الله عراق" متهم به دست داشتن در کشتن قاسم سلیمانی شده بود!!!

اگرچه دیدار حضوری خامنه‌ای و الکاظمی، اولین دیدار حضوری خامنه‌ای پس از شیوع کرونا در ایران و پس از ۵ ماه بیانگر اهمیت سفر الکاظمی و دیدار وی با مقامات جمهوری اسلامی برای دولت‌های دو کشور بود، اما همین دیدار نشان داد که این سفر هیچ دستاورد قابل اهمیتی نداشته و اصولاً نمی‌توانست داشته باشد. صحبت‌های خامنه‌ای، اثبات نظرات ما در رابطه

در صفحه ۱

سفری که دستاوردی برای طرفین به همراه نداشت

با سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی بود و نشان داد که مشکلات در روابط خارجی دولت ایران با دولت‌های منطقه از جمله دولت عراق در جای خود باقی خواهد ماند و هیچ راهحلی در مقطع کنونی برای این رقابت‌ها و اختلافاتی که قربانی آن‌ها مردم منطقه هستند وجود ندارد.

خامنه‌ای در حالی گفت: "ایران هیچ گاه بنای دخالت در امور عراق را نداشته و نخواهد داشت" که همه دنیا از جمله مردم ایران و عراق به‌خوبی از دخالت‌های جمهوری اسلامی در کشور عراق خبردار هستند. این موضوع برکسی پوشیده نیست و مردم عراق در اعتراضات متعدد خود این را به روشنی فریاد زدند. بنابراین دروغ اول او به‌طور واقعی بیان‌گر این است که هیچ تغییری در سیاست جمهوری اسلامی در عراق بوجود نخواهد آمد. سخنان بعدی وی حتی صراحت بیشتری داشت، آن‌جا که از "رفتار آمریکایی‌ها" سخن می‌گوید و این که "ضربه متقابل را به آمریکایی‌ها خواهیم زد" و مفهوم آن چیزی جز خواست واقعی جمهوری اسلامی برای ادامه و حتی تشدید اقدامات ایدایی خود در عراق بویژه علیه نیروهای نظامی آمریکا نبود. این معنای تمام سخنان خامنه‌ای است.

واقعیت این است که برکناری عادل عبدالمهدی و انتصاب مصطفی الکاظمی یک شکست برای جمهوری اسلامی در عراق بود. سیاست‌های دولت عراق از زمان بر سر کار آمدن مصطفی الکاظمی به‌روشنی این موضوع را اثبات می‌کند. یکی از اولین اقدامات مصطفی الکاظمی انتصاب مجدد ژنرال الساعی به ریاست "یگان‌های مبارزه با تروریسم" (جهاز مکافحه الارهاب)

و حتی ترفیع درجه نظامی وی بود. او که از فرماندهان ارتش عراق و از مخالفان شدید حشدالشعبی است، به صورت تلفنی و بدون هیچ‌گونه توضیحی در سپتامبر سال گذشته از سوی عادل عبدالمهدی از سمت ریاست "یگان‌های مبارزه با تروریسم" برکنار گردید. برکناری او همان زمان به رهبران حشدالشعبی نسبت داده شده بود. "یگان‌های مبارزه با تروریسم" بخشی از ارتش عراق است که در سال ۲۰۰۵ با عنوان "نیروهای ویژه عراق" در ارتش عراق بوجود آمد و توسط نیروهای نظامی آمریکایی تحت

آموزش قرار گرفت. در سال‌های اخیر و در جریان جنگ با داعش این نیرو توسعه یافت و نام "یگان‌های مبارزه با تروریسم" بر آن گذاشته شد که در جنگ با داعش نیز حضور فعالی داشت و حشدالشعبی که بیشتر تحت نفوذ دولت ایران بود همواره آن را به چشم رقیب و حتماً مانع می‌دید.

همین نیروهای "یگان‌های مبارزه با تروریسم" بودند که ۶ تیرماه به یکی از مراکز گروه کتائب حزب‌الله در جنوب بغداد حمله کرده و ۱۳ عضو آن را به اتهام حملات راکتی به مراکز نظامی و دیپلماتیک بازداشت کردند.

یکی دیگر از اقدامات اخیر مصطفی الکاظمی برکناری فالح الفیاض رئیس حشدالشعبی از سمت مشاور امنیت ملی و مسئول اداره امور دستگاه امنیت ملی در تاریخ ۱۴ تیرماه بود. فالح الفیاض رئیس حشدالشعبی توسط عادل عبدالمهدی به این سمت‌ها گماشته شده بود. مصطفی الکاظمی به ترتیب ژنرال عبدالغنی الاسدی و قاسم الاعرجی را به سمت رئیس دستگاه امنیت ملی و مشاور امنیت ملی منصوب کرد. ژنرال عبدالغنی الاسدی نیز که از مخالفان عبدالمهدی از سمت‌های خود برکنار شده بود. او که زمانی ریاست "یگان‌های مبارزه با تروریسم" را نیز برعهده داشت در زمان نخست‌وزیری حیدر العبادی وزیر کشور بود.

نخست‌وزیر عراق ۲۱ تیرماه نیز اعلام کرد کارزاری را برای مبارزه با فساد مالی در مرزهای این کشور با ایران آغاز می‌کند. وی با اشاره به گذرگاه مرزی "مندلی" (سومار) و بیان این‌که مرزهای عراق به کانون داغ افراد فاسد تبدیل شده، گفته بود این مبارزه علیه کسانی است که با عدم پرداخت تعرفه‌های گمرکی و مالیات کالاهای وارداتی از ایران به عراق میلیون‌ها دلار به کشور خسارت وارد می‌کنند. گذرگاه‌های مرزی مندلی (سومار) و منذریه (خسروی) تحت کنترل نیروهای حشدالشعبی بود.

روز شنبه ۴ مرداد یعنی تنها ۳ روز پس از بازگشت الکاظمی از ایران، فرماندهی ارتش عراق با صدور بیانییه‌ای اعلام کرد تمامی ۱۴ گذرگاه زمینی و دریایی کشور تحت

کنترل کامل نیروهای ارتش درآمده است. البته براساس اطلاعیه وزارت دفاع عراق امنیت و کنترل ۷ گذرگاه مرزی در اقلیم کردستان عراق به نیروهای پیشمرگه واگذار شده است.

هم چنین در حالی که حسن روحانی در کنفرانس مشترک خبری با نخست‌وزیر عراق از توافق برای گسترش روابط تجاری به مرز ۲۰ میلیارد دلار در سال خبر داد، واقعیت این است که حجم مبادلات تجاری ایران و عراق به شدت کاهش یافته و کالاهای ترکیه و دیگر کشورهای منطقه بازار کالاهای ایرانی را در عراق به تسخیر خود درآورده‌اند. در همین رابطه حمید حسینی دبیرکل "اتاق بازرگانی مشترک عراق و ایران" از کاهش ۴۰ درصدی حجم و ۳/۳۸ درصدی ارزش صادرات غیرنفتی ایران به عراق در سه ماه اول سال جاری خبر داد. به‌گفته وی در سه ماه اول سال جاری ۵ میلیون تن کالا به ارزش ۱ میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار به عراق صادر شده است که اگر همین روال طی شود کل صادرات ایران به عراق به ۶ میلیارد دلار نیز خواهد رسید. نکته قابل توجه دیگر این است که به گفته وی دولت عراق برای تسویه طلب‌های دولت ایران شرکتی تاسیس کرده است که از طریق این شرکت به‌جای پول، کالاهای اساسی و دارو از عراق وارد ایران خواهد شد!!!

حتا در رابطه با میانجی‌گری دولت عراق بین دولت‌های ایران و عربستان نیز هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است و طبیعی‌ست تا زمانی که سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی تغییر نکند تغییری در روابط دولت‌های عربستان و ایران بوجود نخواهد آمد. سفر محمدجواد ظریف به عراق پیش از سفر برنامه‌ریزی شده نخست‌وزیر عراق به عربستان این گمانه‌زنی‌ها را تقویت کرده بود که دولت عراق می‌خواهد نقش میانجی بین دولت‌های ایران و عربستان را ایفا کند، اما واقعیت این است که تنها تغییر سیاست‌ها می‌تواند به تغییر روابط بین دولت‌ها بیانجامد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی بخشی جدایی‌ناپذیر از موجودیت آن است.

مصطفی الکاظمی بویژه از زمانی که به ریاست سازمان اطلاعات عراق رسید روابط گرمی با دولت عربستان سعودی بویژه محمد بن سلمان ولیعهد عربستان برقرار کرد. سمت وی در سازمان اطلاعات عراق و نزدیکی او به دولت‌های عربستان و

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

روحانی بند را آب داد، مقامات وزارت بهداشت هنوز انکار می‌کنند

تحقیقاتی وزارت بهداشت و حسن روحانی با این گزارش رازی را که بیش از ۵ ماه در پی پنهان کردنش بودند برملا کردند.

در پی گزارش روحانی ولوله‌ای به راه افتاد که ماجرا چیست؟ اگر مقامات وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تا کنون مدعی بودند که سیاست رژیم ایمنی جمعی از طریق شیوع ویروس نبوده است، این گزارش و این که تا پایان سال احتمالاً ۳۵ میلیون تن دیگر مبتلا می‌شوند، چه معنای دیگری جز همان سیاست ایمنی جمعی خواهد داشت؟ خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های رژیم با مقامات و تعدادی از صاحب نظران پزشکی گفتگو کردند تا نظر آنها را در این مورد جویا شوند. معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری در توییتی نوشت همانطور که رئیس‌جمهور در ستاد ملی اشاره کردند تاکنون ۲۵ میلیون ایرانی با ویروس کرونا درگیر شده و ایمنی کاملی به دست آورده‌اند و تا مدتی در معرض ابتلای مجدد نخواهند بود.

یک عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا نیز روز ۲۹ تیرماه در گفتگو با ایسنا پیرامون گزارش روحانی گفت:

"کشورمان در حال حرکت به سمت ایمنی جمعی است؛ بنابراین چه سیاست کشور بر ایجاد ایمنی جمعی باشد و چه نباشد، ما در حال حرکت به سمت ایمنی جمعی هستیم. اعتقاد بنده این است که روند ایجاد ایمنی نسبی، روند مثبتی است." وی افزود: "این موضوع را باید به فال نیک گرفت. اگر این تعداد افراد به بیماری کرونا مبتلا شده باشند، به احتمال زیاد مجدداً به بیماری مبتلا نمی‌شوند؛ زیرا آنتی‌بادی محافظت‌کننده در بدن شان به وجود آمده است و شاید اگر روزی تا ۷۰ درصد جمعیت ایران مبتلا شوند بتوان ماسک، دستکش و... را کنار گذاشت."

"مردانی درباره تخمین موارد ابتلای تا ۳۵ میلیون ایرانی به بیماری در ماه‌های آینده، تصریح کرد: در اسفند ماه پیش‌بینی کرده بودم که حداقل تا یک سال آینده ۳۰ تا ۷۰ درصد افراد به کرونا مبتلا خواهند شد، آن زمان این موضوع باعث ناراحتی مردم شد، اما اکنون می‌بینیم که آن پیش‌بینی‌ها درست بوده است و قدم اول ایمنی جمعی محقق شده است."

این عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا از این که پیش‌بینی‌اش در مورد سیاست مصونیت جمعی تحقق یافته به خود می‌بالد، اما نگفت این همان سیاستی است که به بهای مرگ ده‌ها هزار تن از مردم ایران ادامه یافته و تحقیقی که از آن سخن می‌گوید، حتی به گفته خودش با اما و اگر و تردید همراه است. وی افزود: "اگر ایمنی پایدار

در صفحه ۴

اگر این گزارش را امروز مینا قرار دهیم، ۲۵ میلیون نفر در کشورمان از بیماری عبور کرده و بقیه جمعیت حدود ۳۰، ۳۵ میلیون نفر احتمالاً در معرض این ابتلا در ماه‌های آینده خواهند بود. تعداد بستری‌هایی که در آینده، تا پایان امسال باید پیش‌بینی کنیم حدود ۲ برابر آن مقداری بوده که در این ۱۵۰ روز شاهد آن بودیم و ممکن است سال آینده هم در ماه‌هایی گرفتار این بیماری باشیم."

گرچه آماري که وی در مورد تعداد مبتلایان به کرونا ارائه داد به دلایل مختلف از سوی متخصصین بیماری‌های واگیردار رد شد، اما نکته مهم در صحبت او این بود که سیاست ایمنی جمعی به رغم رقم بالای مرگ و میری که تا کنون داشته، موفق بوده و تا کنون ۲۵ میلیون تن از مردم ایران مبتلا شده‌اند و مصونیت یافته‌اند. حالا این مانده که ۳۰ تا ۳۵ میلیون تن دیگر نیز مبتلا شوند. از گزارش و اظهار نظر روحانی روشن است که اکنون دیگر بحثی در مورد پیشگیری از ابتلاء به ویروس نیست. ۲۵ میلیون نفر مصونیت یافته و ۳۰ تا ۳۵ میلیون تن دیگر باید تا پایان سال مبتلا شوند. این که چه تعداد از مردم در این میان جان خود را از دست می‌دهند، البته برای جمهوری اسلامی فاقد اهمیت است و آنگونه که در گزارش آمده، احتمالاً دو برابر تعدادی خواهد بود که تا کنون جان خود را از دست داده‌اند. اما تا کنون چه تعداد جان خود را از دست داده‌اند؟ این رقم اعلام نشده است و شاید هم هرگز توسط رژیم اعلام نشود. اما مردم ایران می‌دانند که رقم واقعی مرگ ناشی از کرونا در ایران باید لااقل دو تا سه برابر رقم رسمی اعلام شده از سوی وزارت بهداشت باشد. این واقعیت چنان آشکار است که حتی برخی از افراد و موسسات وابسته به رژیم از جمله شهرداری تهران نیز آمار اعلام شده وزارت بهداشت را قلبی اعلام کرده‌اند. افزایش آمار فوت‌شدگان چند ماه اخیر در گزارشات سازمان ثبت احوال نیز همین واقعیت را بازتاب می‌دهند.

بنابراین از گزارش روحانی آشکار است که در ایران برخلاف تقریباً عموم کشورهای جهان که می‌کوشند تا روزی که واکسن کووید ۱۹ تولید شود، تا حد ممکن مانع از ابتلای مردم به ویروس شوند و در نتیجه تلاش می‌کنند آمار مرگ و میر را کاهش دهند، سیاست جمهوری اسلامی برعکس، افزایش دادن تعداد مبتلایان به ۳۰ تا ۳۵ میلیون تن دیگر تا پایان سال است با این ادعا که گویا ایمنی جمعی مورد نظر رژیم حاصل شود. مصونیتی که حصول به آن از سوی بسیاری از متخصصان مورد تردید است و بسیاری باور ندارند که بدون واکسن، ایمنی جمعی امکان‌پذیر باشد. در هر حال، معاونت

داده است. بسیاری از متخصصین بیماری‌های واگیردار در ایران و جهان از همان آغاز پیدایش این ویروس هشدار داده بودند، در شرایطی که هنوز دارو و واکسن مطمئنی برای مداوای این بیماری وجود ندارد، کشورهایی که سیاست ایمنی جمعی را در پیش گیرند، با مرگ گروه بسیار کثیری از مردم مواجه خواهند بود. از همین روست که حتی برخی از کشورهای اروپایی که در آغاز این سیاست را در پیش گرفته بودند، به محض این که نتایج فاجعه بار آن را در عمل دیدند، آن را کنار نهادند. اما همانگونه که همگان دانند از آنجائی که برای جمهوری اسلامی جان مردم ایران هیچ ارزشی ندارد، این سیاست به رغم کشتار و فاجع وحشتناک آن، منجر به تغییر آن در ایران نشد و همچنان ادامه یافت. چرا که ادامه این سیاست حداقل این نفع را برای رژیم داشت که هزینه‌ای برای این بیماری مرکبار متحمل نشود، بلکه هزینه آن بر دوش مردم و جان آنها قرار گیرد.

حسن روحانی در همان اسفند ماه سال گذشته اشاره ضمنی به این سیاست داشت، اما مقامات وزارت بهداشت با پنهان‌کاری و تکرار این ادعای کذب که سیاست جمهوری اسلامی برای مقابله با کرونا ایمنی گله‌ای و جمعی نیست، تلاش کردند واقعیت امر را از چشم مردم پنهان دارند. مقامات وزارت بهداشت به رغم این که پیوسته سیاست ایمنی جمعی را انکار نمودند، اما در واقع وظیفه مدیریت و اجرای سیاست روحانی را برعهده گرفتند. البته آنها مدام بر رعایت ضوابط بهداشتی نیز تاکید نمودند، اما نه برای جلوگیری از ابتلاء مردم به این ویروس، بلکه برای این که این ابتلاء به یکباره شدت پیدا نکند، تدریجی صورت گیرد، هزینه درمان را تا جایی که ممکن است پائین آورند و تعداد مبتلایان فراتر از ظرفیت بیمارستان‌ها و کادر درمانی محدود سیستم بهداشتی ایران نباشد.

۵ ماه گذشت و ده‌ها هزار تن از مردم ایران جان خود را از دست دادند، تا بالاخره حسن روحانی دهان باز کرد و یک هفته پیش بود که از راز سیاست رژیم پرده برداشت و با ارائه یک گزارش از وزارت بهداشت، اذعان کرد که سیاست رژیم در برخورد با این ویروس از همان آغاز سیاست ایمنی جمعی بوده و حالا جواب داده است.

حسن روحانی صبح روز شنبه ۲۸ تیر در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا گفت "برطبق گزارش معاونت تحقیقات وزارت بهداشت تخمین بر این است که تاکنون ۲۵ میلیون ایرانی به این ویروس مبتلا شده‌اند و باید این احتمال را بدهیم که ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفر دیگر در آینده در معرض ابتلا خواهند بود و این نکته خیلی مهمی است یعنی

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

روحانی بند را آب داد، مقامات وزارت بهداشت هنوز انکار می‌کنند

نباشد حداقل تا زمان دسترسی به واکسن و درمان قطعی به طور موقت از این مخصصه نجات پیدا می‌کنیم.

به رغم این که گزارش روحانی در وزارت بهداشت تهیه شده است، اما برخی مقامات این وزارتخانه همچنان به توجیه‌گری و تلاش برای کتمان حقیقت ادامه دادند و بر انکار اصرار ورزیدند.

از جمله دکتر علیرضا رئیسی معاون بهداشت وزارت بهداشت ۳۱ تیرماه در یک برنامه تلویزیونی به کلی انکار کرد که سیاست وزارت بهداشت در برابر کووید ۱۹ مصونیت جمعی یا گله‌ای بوده است.

"وی در پاسخ به این سوال که آیا سیاست کشور به دنبال ایجاد ایمنی گله‌ای نسبت به کرونا است یا خیر؟، گفت: پاسخ این سوال قاطعانه خیر و منفی است. سیاست وزارت بهداشت، ستاد مقابله با کرونا و حتی دولت به هیچ وجه ایجاد ایمنی گله‌ای نیست و کشورهایی هم که در ابتدای شیوع بیماری این سیاست را اتخاذ کرده بودند پشیمان شدند. ایمنی جز با واکسن ایجاد خواهد شد. بنابراین تا زمانی که واکسن در دسترس قرار نگرفته است تنها راهی که داریم رعایت پروتکل‌های بهداشتی است."

اما پاسخ وی به ادعای مصونیت ۲۵ میلیون نفر از سوی روحانی چه بود؟ آن هم چیزی جز انکار نبود. وی گفت: "تنها روش دقیق و شناخته شده برای تشخیص بیماری کووید ۱۹ چه در ایران و چه در دنیا تست مولکولی pcr است. اکنون در کل دنیا اعلام می‌شود ۱۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر به کرونا مبتلا شده‌اند پس نمی‌توان گفت تنها در یک کشور ۲۵ میلیون نفر به کرونا مبتلا شده‌اند."

اما اگر به گفته وی روحانی حرف مفت تحویل مردم داده است، سیاست جمهوری اسلامی در این دوره بیش از ۵ ماه چه بوده است؟

وی و دیگر مقامات وزارت بهداشت گرچه مدیریت پیشبرد سیاست ایمنی جمعی روحانی را عهده‌دار بوده‌اند اما هرگز به آن اذعان نکردند. در همین گفتگوی تلویزیونی تنها اشاره می‌کند "چیزی که واقعیت است و دنیا هم به آن رسیده این است که ما باید زنجیره انتقال ویروس را با زدن ماسک، رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و... قطع کنیم."

اما اگر در این ۵ ماه نه تنها زنجیره انتقال

ویروس قطع نشد، بلکه اکنون دیگر این ویروس سراسر ایران را فراگرفته است، دلیل روشنی است بر این که ایشان هنوز هم توجیه‌گری می‌کند و نمی‌خواهد اعتراف کند، آنچه که وزارت بهداشت انجام داده مدیریت و پیشبرد سیاست ایمنی جمعی بوده است.

برخلاف ادعای معاون وزیر بهداشت، سیاست وزارت بهداشت هیچگاه قطع زنجیره ویروس نبوده است. نه امروز و نه ۵ ماه پیش. قطع زنجیره ویروس و یا به حداقل رساندن تعداد مبتلایان، سیاست آن کشورهایی بوده است که قرنطینه را در دستور کار قرار دادند. یک نمونه، چین است، کشوری با ۱/۵ میلیارد جمعیت، با ۴۶۳۴ تلفات، زنجیره بیماری را قطع کرد. اما در ایران که وزارت بهداشت توجیه‌گر و پیش‌برنده سیاست قرنطینه بی قرنطینه حسن روحانی شد و حریرچی معاون کل وزارت بهداشت جمهوری اسلامی در همان ایام گفت: «ما به هیچ وجه با قرنطینه موافق نیستیم. قرنطینه برای قبل از جنگ جهانی اول است، برای طاعون و وبا» قرار می‌گیرد بر قطع زنجیره ویروس نبود و نتیجه آن شد که تا به امروز حدود ۱۶۰۰۰ تن از مردم ایران به قتل رسیده‌اند، نه چشم انداز فوری بر قطع زنجیره ویروس و بیماری وجود دارد و نه توقف کشتار بیرحمانه مردم ایران. نمونه دیگر دو کشور اروپایی تقریباً با شرایط اقتصادی-اجتماعی مشابه، سوئد و نروژ است. نروژ با قرنطینه توانست زنجیره ابتلاء را با مرگ فقط ۲۲۵ نفر قطع کند و در مقابل در سوئد که همچون جمهوری اسلامی سیاست ایمنی گله‌ای، قرنطینه بی قرنطینه را در پیش گرفت تاکنون حدود ۷۰۰۰ تن از مردم جان خود را از دست داده‌اند و فعلاً چشم اندازی هم برای قطع زنجیره ویروس وجود ندارد.

بنابر این باعث و بانی تمام فجایعی که کرونا در ایران به بار آورده و می‌آورد، جمهوری اسلامی و سیاست آن است. اما مقامات رژیم همواره تلاش کرده‌اند که مردم را مقصر اعلام کنند. از جمله معاون وزارت بهداشت در همین گفتگو تاکید کرد: "بر اساس بررسی‌های انجام شده در کشور بویژه از نیمه اردیبهشت ماه به بعد سه عامل اصلی را برای شیوع بیماری پیدا کردیم. مراسمات تجمعی مانند عزاداری‌ها و عروسی‌ها و مسافرت‌ها سه عامل اصلی افزایش شیوع بیماری در استان‌ها بود و به

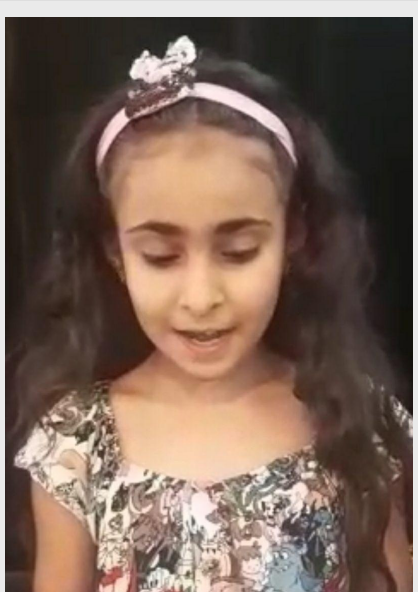
طور واضح دیدیم مراسماتی که در منازل، باغ‌ها و... برگزار می‌شود یکی از مکان‌های اصلی شیوع بیماری هستند. اگر می‌خواهیم به قطع زنجیره بیماری برسیم باید پروتکل‌های بهداشتی را بیش از ۸۰ درصد رعایت کنیم. استفاده از ماسک در ادارات نیز ۸۲ درصد است."

اما مقصران اصلی کسانی هستند که خواستند با یک قرنطینه جدی و سراسری، زنجیره ویروس و بیماری را قطع کنند. آیا وقتی که روحانی اعلام کرد قرنطینه نداریم این توطئه دشمن برای تعطیل کشور است، همه باید سر کار حاضر شوند و معاون اول وزارت بهداشت هم آن را تایید کرد، وزارت بهداشت نمی‌فهمید این سیاستی برای قطع زنجیره بیماری نیست، بلکه اشاعه ویروس به عنوان یک سیاست است؟ آیا وزات بهداشت نمی‌دانست در شرایطی که ویروس در سراسر کشور وجود دارد و هیچ جای به اصطلاح امن و سفیدی در کشور نیست، تقسیم بندی کشور به مناطق قرمز، زرد و سفید اشاعه ویروس و فرستادن مردم به قتلگاه است؟ با این سیاست اگر حتی یک نقطه سفید هم وجود می‌داشت، آن هم آلوده شد. سپردن مناطق قرمز به دست مقامات محلی یکی دیگر از شاهکارهای دولت در شیوع ویروس و کشتار مردم بود. خوزستان یک نمونه برجسته بود. ادعای معاون وزیر بهداشت در مورد رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای قطع زنجیره بیماری، نیز یک ادعای پوچ است. سیاست وزارت بهداشت، قطع زنجیره بیماری از این طریق نبود و نمی‌توانست باشد، بلکه هدف فقط کاهش سرعت شیوع بیماری بود. گذشته از این که مردم ایران اعتمادی به حرف‌ها و رهنمودهای مقامات رژیم که تمام حیات و موجودیت آن بر دروغ و پوشاندن حقیقت بنا شده است، ندارند، حتی در موارد معمولی هم اگر مردم می‌خواستند دستورالعمل‌های وزارت بهداشت را رعایت کنند، عملی نبود. آیا مردم در مترو و یا دیگر وسایل نقلیه می‌توانند پروتکل‌های بهداشتی و فرضاً یک مترو نیم فاصله را رعایت کنند، روشن است که نه! آیا میلیون‌ها بیکار و کارگرانی که دستمزدشان کفاف هزینه غذای روزمره آنها را نمی‌دهد، پولی در بساط دارند که هر روز ماسک بخرند؟ روشن است که نه! بنابراین ادعای مقامات دولتی از جمله همین آقای معاون وزارت بهداشت که می‌خواهد مردم را مقصر اشاعه ویروس و مرگ ده‌ها هزار تن معرفی کند، کذب است. عامل و مسبب تمام این فاجعه جمهوری اسلامی است

در صفحه ۷

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

در هفتتپه بساط خصوصی سازی باید برچیده شود



فاطمیما چشمه خاور
فرزند کارگرانیم
کنارشان می مانیم!

دستگاه آپارتمان درکیان پارس اهواز به ارزش ۶۰۰ میلیون تومان، ۲۵۰ هزار دلار هزینه تور مسافرتی خانوادگی و ۲۰۰ هزار دلار وجه نقد که به مریم محبی همسر وی پرداخت شده، تنها یک قلم از رشوه های متعددی است که یک مقام دولتی گرفته است. رشوه گیری و همدستی مقامات دولتی در خوزستان، به بچه مسلمان دوآتشه استاندار خوزستان خلاصه نمی شود. اسد بیگی همه مقامات از فرماندار و رئیس کل اداره کار تا مقامات قضایی و دادستان و رئیس دادگستری استان را با دادن رشوه های کلان از پول نقد گرفته تا سکه طلا و ملک و غیره همه را خریده و حمایت آن ها را به دست آورده بود. او در جلسه نخست دادگاه بهصراحت گفت "هرکسی را در هر مقامی می توان خرید" و این اظهار نظر وی تا جایی که به مقامات دولتی برمی گردد توپ توخالی نبود. او بسیاری از مقامات دولتی و مدیران بانک ها را خریده بود که در جریان دادگاه، بهرغم ملاحظه کاری ها و محافظه کاری ها و پنهان کاری ها، موارد و نمونه های متعددی برملا و افشاشده اند.

رشوه های کلانی که مقامات رسمی و مدیران ارشد بانک ها از اسد بیگی یا عوامل وی گرفته اند تا او توانسته است یک و نیم میلیارد دلار ارز دولتی را تصاحب کند، به قدری زیاد و متعدد است که نام بردن و پرداختن به همه آن ها از حوصله این نوشته خارج است و تنها به چند نمونه آن اشاره می شود.

محسن صالحی و سید رسول سجادی، دو تن از مدیران سابق اداره اموال بین الملل بانک مرکزی هستند که رشوه های کلانی گرفته اند و تخصیص ارز برای شرکت های صوری و پروژه های قاچاقی اسد بیگی را فراهم کرده اند. مطابق اظهارات نماینده دادستان، محسن صالحی متهم ردیف چهارم این پرونده به دریافت رشوه شامل یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد، ۱۰۰ سکه بهار آزادی و ۱۲ هزار دلار آمریکا از امید اسد بیگی متهم است. وی همچنین ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد از اسد بیگی، یک میلیارد تومان وجه نقد و ۲۰۰ هزار دلار آمریکا از متهم شهریار دربانی و همین طور ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد و ۳۲۴ هزار دلار آمریکا از متهم موسی حسین زاده دریافت کرده است. علاوه بر این ها او یک دستگاه BMW و ۱۲۰ هزار دلار آمریکا به همراه ۳۰ هزار دلار سرمایه در بازار فارکس و سکه تمام بهار آزادی از متهم محمدرضا آل علی دریافت کرده است.

سید رسول سجادی نیز ۸۰۰ سکه تمام بهار آزادی از اسد بیگی رشوه گرفته است.

رضا انصاری اصیل متهم ردیف شانزدهم از مدیران وقت بانک مرکزی است که بعد از بازنشستگی هم سابقه مدیریت امور بین الملل بانک اقتصاد نوین را در کارنامه خود دارد. او درحال حاضر صاحب یک صرافی است و مورد اتهامی او هم صدور و فروش حواله های ارزی است. وی مبلغ ۵ میلیون درهم امارات (هر درهم حدود شش هزار تومان است) و ۵۰ هزار دلار

مقامات دولتی چه در سطح شهرستان شوش و استان خوزستان و چه در سطوح بالاتر در همدستی و پشتیبانی از اسد بیگی کارفرما و سهامدار اصلی شرکت نیشکر هفتتپه، جملگی خود را به کری و کوری زده اند و به یک معنا، همگی علیه اعتصاب و تظاهرات و اعتراض خیابانی کارگران هفتتپه به صف شده اند تا با توطئه سکوت و بی تفاوتی، کارگران مبارز هفتتپه را ناامید و مستأصل سازند. بهرغم محرز بودن کلابرداری، دزدی، ارتشاء، جعل اسناد و معاملات غیرمجاز ابر قاچاقچی ارز امید اسد بیگی مدیرعامل شرکت نیشکر هفتتپه و فقدان "اهلیت" و صلاحیت وی، اما نه فقط خواست کارگران مبنی بر خلع ید از وی و لغو خصوصی سازی هفتتپه عملی نشده، بلکه شواهد موجود از جمله آزاد گذاشتن اسد بیگی متهم ردیف اول پرونده اختلاس یک و نیم میلیارد دلاری و امتناع وی از پرداخت حقوق های معوقه، درعین حال سکوت مقامات و



دستگاه قضایی و دولتی و عدم برنامه ریزی و یافتن یکراه عملی و فوری برای پرداخت حقوق معوقه کارگران، نشان داده است که قوه قضایی و تمام دموکراسی های حامی استثمارگران و کارفرمایان از نمونه اسد بیگی هستند.

امید اسد بیگی کارفرمای هفتتپه تنها با لابی گیری و زدوبند با مقامات دولتی و مدیران بانک ها و پرداخت رشوه های کلان و با سندسازی، کلابرداری تحت پوشش راه اندازی خط تولید و تأسیس شرکت های صوری و غیر صوری، می توانست مبلغ نجومی یک و نیم میلیارد دلار ارز دولتی بگیرد و آن را قاچاقی در بازار ارز بفروشد. تمامی شواهد حتی در همان محدوده های که در جریان محاکمه اسد بیگی و هم پرونده های وی روشن شده است صحت این مدعا را تأیید می کند. اسد بیگی در همان نخستین جلسه دادگاه ارتباط نزدیک خود با غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان و رشوه گرفتن این مقام دولتی را فاش ساخت. یک

آمریکا از اسد بیگی رشوه گرفته است. بنا به اظهارات نماینده دادستان، فرهاد طالبی متهم ردیف ششم و مدیر وقت بانک کشاورزی نیز مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد و ۵۰ هزار دلار آمریکا از اسد بیگی رشوه گرفته و متهم است به این که مبلغ ۱۳۰ میلیون تومان نیز از متهم صالحی دریافت نموده است. علی فهیمی متهم ردیف نهم که در بانک کشاورزی پست مهمی داشته نیز به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی متهم شده است.

مهدی توسلی متهم ردیف هفتم این پرونده نیز ۵۰ هزار دلار آمریکا و ۶۰۰ میلیون تومان از اسد بیگی رشوه گرفته و مقادیری سکه و پول نقد از هفت شرکت دریافت نموده است.

مرتضی شهید زاده متهم ردیف ۱۲، مدیرعامل سابق بانک کشاورزی که رئیس فعلی صندوق توسعه ملی است، از متهمان دیگر این پرونده و عناصر اصلی تخصیص ارز به شرکت های کاغذی و معاملات غیرمجاز ارز دولتی است. برخی از این رشوه گیران و همدستان اسد بیگی در جریان محاکمه خود، گاه بی آن که نام فرد مشخصی را بر زبان آورند، اما پرده از روی نقش نهادها و مقامات مافوق خود نیز برمی دارند. احمد سعیدی فر متهم ردیف هفدهم این پرونده می گوید، در هر مورد که از سوی بانک مرکزی دستور داده شده، همان کار را انجام داده است و چنین اضافه می کند "ما مردمشور بودیم و کاری نداشتیم که این مرده کیست!"

مسعود جلالیان از کارکنان و نمایندگان بانک کشاورزی، یکی دیگر از متهمان این پرونده است. مسعود جلالیان، مدیر امور اعتباری و بانکداری شرکتی بانک کشاورزی است، کسی که نوع فعالیتش مربوط به ارائه اعتبار بانکی به

در هفتتپه بساط خصوصی سازی باید برچیده شود



می‌ایستند، از عدم پرداخت حقوق و شرمندگی پدران به خاطر این‌که نمی‌توانند خوراک و پوشاک برای فرزندان خود تهیه کنند سخن می‌گویند. در چهل و دومین روز اعتصاب، هفتتپه همچنان در تبوتاب و تشنه یک تغییر اساسی است. طی این ۴۲ روز حتی بی‌اطلاحترین افراد در دورافتاده‌ترین نقاط کشور از اعتصاب و حقانیت کارگران هفتتپه مطلع شده‌اند. به سخن ابراهیم عباسی از کارگران پیشرو هفتتپه در چهل و دومین روز اعتصاب، "صدای کارگر هفتتپه به آمریکا و آفریقا هم رسید" اما گوش شنوایی در میان مقامات و مسئولین دولتی پیدا نکرده است. در چهل و دومین روز اعتصاب، کارگران هفتتپه بار دیگر در مقابل فرمانداری تجمع نمودند در خیابان‌های شهر شوش دست به راهپیمایی زدند و مطالبات خویش را تکرار کردند. خلع ید از اسد بیگی و لغو خصوصی‌سازی از مطالبات اصلی کارگران است. اسد بیگی با توجه به وضعیتی که ایجاد کرده دیگر نمی‌تواند و نباید به هفتتپه بازگردد. او یک دزد خلافکار و شیادی است که اموال کشت و صنعت هفتتپه را غارت نموده و تا آنجا که مشخص شده بخشی از دارایی‌ها از جمله صدها میلیون دلار را به خارج کشور منتقل نموده است. مماشات با اسد بیگی تنها مشت حامیان وی در دستگاه دولتی را بازتر می‌کند. اسد بیگی فوراً باید بازداشت و بی‌درنگ باید از وی خلع ید شود. درحال حاضر برای حل مشکلاتی که اسد بیگی درکشت و صنعت هفتتپه ایجاد نموده، هیچ راه دیگری جز آن‌که کارگران هفتتپه می‌گویند و می‌خواهند وجود ندارد. پرونده خصوصی‌سازی کشت و صنعت هفتتپه برای همیشه باید بسته شود.

زیرنویس:

۱- در این اختلاس و ارتشا و ابر قاچاق ارزی علاوه بر بانک کشاورزی و بانک مرکزی، پای چند بانک دیگر مانند بانک اقتصاد نوین، بانک رفاه کارگران، بانک سامان، بانک مسکن، بانک سرمایه و بانک انصار نیز در میان است.

۲- شورای پول و اعتبار ظاهراً بر امور پولی و بانکی نظارت دارد و درباره سیاست کلی بانک مرکزی تصمیم‌گیری می‌کند. اعضای شورای پول و اعتبار عبارتند از:

وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی
رئیس‌کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون وی
دو تن از وزرا به انتخاب هیئت‌وزیران
وزیر بازرگانی
دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس‌کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری
دادستان کل کشور یا معاون وی
رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
رئیس اتاق تعاون

نمایندگان کمیسیون‌های امور اقتصادی و برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هرکدام یک نفر) به‌عنوان ناظر با انتخاب مجلس.

بهربرداری کند و نقشه و امیال خود را پیش ببرد و یک و نیم میلیارد دلار را به جیب بزند. بنابراین صرف‌نظر از مجرم بودن دزد بزرگ، امید اسد بیگی کارفرمای هفتتپه، این موضوع نیز کاملاً روشن است که یک سر این قاچاق بزرگ ارزی مقامات دولتی و مدیران بانکی بوده‌اند. تمام نشانه‌ها حاکی از آن است که این حجم از دریافت ارز دولتی و قاچاق آن نمی‌توانسته بدون مشارکت فعال و همدستی مقامات رسمی دولتی باشد که اینجا فقط به بخش‌هایی از آن اشاره شد.

پرونده قطور قاچاق یک و نیم میلیارد دلاری ارز و محاکمه کارفرمای اصلی هفتتپه و همدستان وی، اگر هیچ خاصیت دیگری نداشته باشد، دستکم پرده از روی پاره‌ای دزدی‌ها، دغل‌کاری‌ها و خلافکاری‌های امید اسد بیگی سهام‌دار و کارفرمای اصلی کشت و صنعت نیشکر هفتتپه و زد و بندهای وی با مقامات و مدیران دولتی و بانکی در غارت ثمره کار کارگران برداشت. این پرونده ماهیت خصوصی‌سازی هفتتپه و شیاد استثمارگری که هرروز بر ظلم و ستم و زورگویی علیه کارگران هفتتپه افزوده بر ملا ساخت و بار دیگر حقانیت کارگران هفتتپه، خواست‌ها و مبارزات‌شان را



اثبات کرد. شدت فقر و گرسنگی و بی‌حقوقی و استثمارگری که اسد بیگی بر کارگران هفتتپه و خانواده‌های آن‌ها تحمیل نموده تا آنجا گسترش‌یافته که امروز کودکان نازنین هفتتپه نیز وارد صحنه می‌شوند، کنار کارگران

بنگاه‌هاست. وی مبلغ ۲۶۹ میلیون و ۶۶۷ هزار یورو به اسد بیگی و طحال زاده داده است که به بانک بدهکارند. او در جریان محاکمه خود یک‌جا فاش ساخت که مرتضی شهید زاده مدیرعامل وقت بانک کشاورزی (۱) مجوز پرداخت ارز را صادر نموده و درجای دیگری گفت دستور پرداخت ارز از بالا صادر شده و بی‌آنکه نام شخص خاصی را بر زبان آورد گفت مجوز پرداخت ارز توسط شورای پول و اعتبار صادر شده است. (۲) جالب است بدانید که این شورای پول و اعتبار که ظاهراً بر امور پولی و بانکی نظارت می‌کند چندین عضو دارد و همین مسعود جلالیان خود یکی از اعضای این "شورا" است. علی فهیمی همکار وی نیز می‌گوید، از جانب وزارت کشاورزی برای صدور مجوز ارز به‌شدت تحت‌فشار بوده است. این دو مدیر بانک کشاورزی که ۵۰ هزار دلار از اسد بیگی رشوه گرفته‌اند، با این اظهارنظرها، صرف‌نظر از این‌که تلاش می‌کنند از اتهام همکاری و زدویند با اسد بیگی و صدور مجوز پرداخت ارز تبری جویند، اما در عین حال این واقعیت را نیز آشکار می‌سازند که فساد و دزدی و ارتشا تا بالاترین رده‌ها و نهادهای دولتی تعمیق یافته و بسیار مقامات دولتی و کسان دیگری که در این پرونده نامی از آن‌ها به میان نیامده و در نشریات علنی انتشار نیافته نیز، همدست ابر قاچاقچی ارز، امید اسد بیگی بوده‌اند. بیهوده نیست که برخی از متهمان (از جمله جواد بصیرانی و مهدی توسلی معاون ارزی بانک کشاورزی)، از توضیح پیرامون اتهامات و ابراز حقایق پشت پرده طفره می‌روند و از قاضی درخواست می‌کنند سخنان خود را در جلسه خصوصی ارائه دهند.

اسد بیگی با پرداخت رشوه‌های کلان که به بخشی از آن اشاره شد و با یاری و همدستی این رشوه‌گیران توانست با جعل اسناد رسمی و اسناد عادی، جعل مهرهای شرکت خارجی فروشنده کالا، استفاده از اسناد معجول در اسناد رسمی و عادی و استفاده از مهرهای جعلی خارجی برای ثبت سفارش‌های کالاهای اساسی و تخصیص ارزهای دولتی و رفع تعهدات ارزی و غیره

سفری که دستاوردی برای طرفین به همراه نداشت

آمریکا بود که باعث شد پس از کشته شدن قاسم سلیمانی انگشت اتهام به سوی او نشانه رود. پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، حشدالشعبی مدعی نقش نیروهای امنیتی عراق در حمله پهبادی آمریکا به قاسم سلیمانی شد. ۱۲ اسفند ابوعلی عسکری از فرماندهان کتائب حزب‌الله فراتر رفت و در تویتز مستقیماً مصطفی کاظمی را متهم به دست داشتن در قتل قاسم سلیمانی کرد. پس از آن که موضوع انتصاب مصطفی کاظمی به نخست‌وزیری مطرح شد، ابوعلی عسکری در تویتز بار دیگر به مصطفی کاظمی حمله کرد و نوشت انتصاب او به ریاست دولت اعلام جنگ به ملت عراق است و آن را اقدامی ویرانگر برای امنیت عراق دانست. اما شرایط سیاسی عراق به‌رغم میل و تمامی مخالفت‌های جمهوری اسلامی و حشدالشعبی، در نهایت آن‌ها را مجبور به پذیرش نخست‌وزیری مصطفی کاظمی کرد که تا دیروز متهم به دست داشتن در قتل قاسم سلیمانی بود.

واقعیت این است که دولت عراق گام به گام در حال قطع شریان‌های نفوذ جمهوری اسلامی در عراق است، کاری که البته به دلیل نفوذ سالیان دراز جمهوری اسلامی در عراق و سازماندهی نیروی مسلح قدرتمندی به نام حشدالشعبی آسان نخواهد بود (هر چند که اختلافاتی در بین نیروهای حشدالشعبی نیز بروز کرده است). اما جمهوری اسلامی هم به‌خوبی می‌داند که در شرایط کنونی قادر به سرنگونی دولت مصطفی کاظمی نیست.

الکاظمی در این سفر با ظاهر بی‌طرفی دولت عراق در مناقشات منطقه‌ای (ظاهر از این رو که هیچ دولتی نمی‌تواند به‌طور واقعی بی‌طرف باشد)، خواستار رعایت این مسأله از سوی ایران و عدم دخالت ایران در امور داخلی عراق شد، اما دولت ایران بر سیاست همیشگی‌اش پای فشرد و این یعنی سفری برای هیچ، سفری که طرفین مناقشه تنها نظرات و خواست‌های خود را مطرح کردند بدون آن‌که تاثیری در طرف مقابل داشته باشد. علت آن نیز کاملاً روشن است. جمهوری اسلامی نمی‌تواند تغییری در سیاست خارجی خود دهد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بخشی تغییرناپذیر در سیاست‌های جمهوری اسلامی و در هماهنگی کامل با سیاست‌های داخلی آن است. جمهوری اسلامی تنها این‌گونه است که موجودیت می‌یابد. اگرچه در سالیان اخیر موقعیت جمهوری اسلامی در لبنان، سوریه و عراق رو به افول گذاشته و از نظر مالی نیز جمهوری اسلامی تضعیف شده است، اما همچنان قدرت ایفای نقش در تحولات منطقه‌ای را دارد و بنابراین به این بازی ادامه خواهد داد. در نتیجه، تضادها و تقابل‌های دولت‌های منطقه‌ای ادامه خواهد یافت و سفرهای این‌چنینی بدون نتایج ملموس به پایان خواهند رسید.

روحانی بند را آب داد، مقامات وزارت بهداشت هنوز انکار می‌کنند

لحظه جان آنها در خطر است. سازمان‌های سیاسی ایرانی و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر تا کنون مکرر خواستار آزادی فوری آنها شده‌اند، اما رژیم ارتجاعی حاکم همچنان آنها را زیر شدیدترین فشارها در اسارت نگهداشته است. در هفته‌های اخیر گزارش‌های متعددی از ابتلای زندانیان سیاسی به ویروس کرونا و شرایط وخیم آنها، از جمله توسط زینب جلالیان و نرگس محمدی که خود به این بیماری مبتلا شده‌اند، به بیرون درز پیدا کرده است.

نرگس محمدی در نامه اخیر خود از شرایط زندان در اواسط تیر می‌نویسد: «۱۲ زندانی کروناوی در بند هستیم. از چند روز پیش که بیماری محرز شد، چند نفر سالم را از ما جدا کردند. مطلقاً هیچ امکاناتی و هیچ رسیدگی پزشکی در بند نیست. حتی ژل شستشوی دست نداریم. فقط پروفون می‌دهند. نا و رمق نداریم.»

: «نامه علنی نوشتیم و وضعیت بند را شرح دادیم. امروز یک ماسک به هر کدام ما دادند. ژل شستشوی دست را که منت‌ها التماس می‌کردیم و نمی‌دادند، بالاخره دیروز با پول خودمان خریدند و دادند. فقط ۳ تا. حال عمومی‌مان افتضاح است. روم‌مان رفته. نمی‌توانم راه بروم. دستم را به تختی که ۳۰ سانت از زمین فاصله دارد می‌گیرم و خودم را می‌کشم توی تخت.»

این وضعیتی است که عموم زندانیان سیاسی با آن رو به رو هستند و اگر اقدامی فوری برای آزادی آن‌ها صورت نگیرد، با خطرات جدی تری مواجه خواهند شد.

جمهوری اسلامی تحت هر شرایطی، ارغمانی جز ستم و فاجعه برای توده‌های مردم ایران نداشته و نخواهد داشت. راهی برای نجات جز سرنگونی این رژیم ستمگر وجود ندارد.

که سیاست جنایتکارانه ایجاد ایمنی جمعی را از طریق اشاعه ویروس در پیش گرفت. اگر اکنون هم حسن روحانی اعلام می‌کند که در همه جا باید عزاداری امام حسین برگزار شود، چه در شهر و چه در روستا، چه در جایی که قرمز است یا سفید است" در راستای همین سیاست است. معاون وزارت بهداشت یاقوه سرانی می‌کند و هنوز تلاش دارد واقعیت را از چشم مردم پنهان سازد. جمهوری اسلامی چندین ماه تلاش کرد سیاستی را که برای مقابله با کرونا تعقیب می‌کند، انکار نماید، اما سرانجام ناگزیر شد ولو ناخواسته اعلام کند که سیاست ایجاد ایمنی گله‌ای، روش مقابله رژیم با ویروس کرونا بوده و مدیریت اجرائی آن نیز برعهده وزارت بهداشت قرار داشته است. سیاستی که تا کنون فجایع و کشتار بزرگی به بار آورده و آنگونه که روحانی می‌گوید همین روند ادامه خواهد یافت تا ۶۰ الی ۷۰ میلیون تن از مردم ایران به آن مبتلا شوند. با این سیاست در آینده نیز هزاران تن دیگر از مردم ایران جان خود را از دست می‌دهند. کادر درمانی بیمارستان‌ها علاوه بر این که باید همچنان فشار سنگین کار را تحمل کند، با خطرات بیشتری در شرایط خستگی و فشار کار و کمبود امکانات مواجه خواهند شد و پیوسته بر تعداد مبتلایان و جانباختگان کادر درمانی افزوده می‌شود. در همین‌جا باید به خطراتی نیز اشاره کرد که هزاران زندانی سیاسی در نتیجه شیوع گسترده بیماری کرونا در ایران با آن مواجه‌اند.

در شرایطی که کرونا روزانه صدها تن را کشتار می‌کند، جمهوری اسلامی ده‌ها هزار تن از مردم ایران را در بدترین شرایط در زندان‌های غیر بهداشتی و آلوده به ویروس کرونا در بند نگهداشته است. در میان این زندانیان، هزاران زندانی سیاسی هستند که هر



پیامدهای مهلک اقتصادی کرونا بر زنان

۹۷۰ هزار نفر مرد هستند. از آمار کاهش اشتغال ۹ / ۲ درصدی، یعنی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفری که به بیکاران پیوسته‌اند، حدود ۷۰۰ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. در همین بازه زمانی، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۵ / ۱۳ درصد از بیکاران را تشکیل می‌دادند که سهم مردان ۳ / ۱۰ درصد و سهم زنان ۲ / ۲۰ درصد بوده است.

در زمستان سال گذشته جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر نزدیک به ۶۲ میلیون نفر بوده است که ۴ / ۴۲ درصد از آنان، فعال اقتصادی (شاغل و بیکار) محسوب می‌شده‌اند. در میان این فعالان اقتصادی ۲۳ میلیون و ۴۳۵ هزار نفر شاغل و دو میلیون و ۷۸۵ هزار نفر بیکار بوده‌اند. طبق این آمار سهم مردان از اشتغال ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و سهم زنان کمتر از ۴ میلیون نفر بوده است با دستمزدی چند برابر کمتر از مردان.

پیش از ادامه، توجه به چند نکته لازم است. نکته اول، آن که آمار منتشره در ایران هیچ‌گاه قابل اتکا نبوده و نیستند، برای نمونه در مورد همین آمار اخیر، پس از اعلام نرخ بیکاری ۲۱ درصدی برای لرستان، استاندار لرستان و معاون اقتصادی وی به این آمار اعتراض کرده و آن‌ها را فاقد "دقت لازم و کارشناسی" و به شکل "نمونه‌گیری" و آن هم "تلفنی" خوانده‌اند. نکته دوم، در میان آمار منتشره از سوی مقامات و نهادهای گوناگون، همواره تفاوت‌ها و گاهی تناقضاتی وجود دارند. آمار منتشره از سوی مرکز آمار با گفته‌های سخنگوی کابینه روحانی در فروردین ماه که از بیکاری ۴ میلیون نفر در پی شیوع کرونا خبر داده بود، همخوان نیست. نکته سوم آن که، معیار اشتغال در ایران، یک ساعت کار در هفته مرجع محسوب می‌شود.

اما همین آمار گویای وضعیت زنان در بازار کار است. زنانی که همواره در نیروی کار مشارکت ناچیزی داشته‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۹۸ بالغ بر ۳ / ۱۵ درصد بوده است. با وجود این، نرخ بیکاری زنان در ایران همواره بسی بالاتر از نرخ بیکاری مردان بوده است. این نرخ در سال ۹۸ برای مردان ۲ / ۹ درصد و برای زنان ۲ / ۱۷ درصد اعلام شده است. (این آمار پیش از شیوع کرونا در ایران است). بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس رژیم، خط فقر خانوارهای چهار نفره در تهران طی ۲ سال (سال‌های ۹۷ و ۹۸) از ۵ / ۲ میلیون به ۵ / ۴ میلیون رسید. نرخ مسکن از ۹۷ تاکنون ۴ برابر شده است. در رده‌بندی "شاخص فلاکت" (مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری) سال ۲۰۱۹، ایران پس از برزیل و آرژانتین در رتبه سوم قرار گرفت. شکاف طبقاتی (با ضریب جینی ۴۲ در سال ۹۸) سال به سال عمیق‌تر گشته است. به گفته رئیس اتاق بازرگانی تهران در تیر ماه: "اکنون ۶ دهک جامعه زیر خط فقر قرار دارند." با وجود تورم بین ۱۰ تا ۴۰ درصدی در سال‌های اخیر، دستمزدهای بارها زیر خط فقر، گرانی مسکن و کالاهای اساسی و بسیاری مصایب دیگر، این پرسش مطرح

می‌شود که زنان بیکار و "غیر فعال اقتصادی" چه شده‌اند؟ آیا در چنین شرایطی، زنان فرصت را غنیمت شمرده و به خانه‌داری و ایفای نقش "همسر و مادر" روی آورده‌اند؟

بدیهی است با شیوع کرونا و برآمد موج بیکاری و تعطیلی و کساد کسب و کارها، و با توجه به عدم پذیرش مسئولیت از سوی رژیم برای تأمین معاش خانوارها و تأمین هزینه‌های درمانی و بهداشتی، نمی‌توان پذیرفت که بیش از یک میلیون زن از بازار کار رسمی خارج و خانه‌نشین شده باشند. تنها گزینه برای یک میلیون زنی که از بازار کار رسمی خارج شده‌اند و ۷۰۰ هزار نفری که بیکار گشته‌اند، روی آوردن به بخش غیررسمی بازار کار و تن دادن به تمام شرایط کارفرمایان سودجو است، یعنی اشتغال در مؤسسات کوچک و بزرگ، در کارگاه‌های زیرزمینی، در کارگاه‌های آجرپزی، در کارگاه‌های فرش‌بافی و "صنایع دستی"، در کارگاه‌های تولیدی پوشاک، در قالب فروشندگان مترو و مغازه‌ها، در مشاغل خدماتی ساده، در "مشاغل خانگی"، در مشاغل پاره وقت، با قراردادهای کوتاه مدت و سفید امضاء محروم از بیمه و بازنشستگی و مرخصی و دستمزدهای ناچیز آن‌ها با پذیرش خطر ابتلا به کروناست.

در یک نمونه، با آن که گفته می‌شود، در مهر ۹۹ آموزش و پرورش با کمبود حدود ۱۸۰ معلم روبروست. این کمبود تا سال دیگر، یعنی سال ۱۴۰۰ به ۳۰۰ هزار نفر می‌رسد، اما هیچ یک از مقامات و نهادهای رژیم حاضر نیستند، برای جبران این کمبود به استخدام رسمی معلمان دست بزنند. به جای آن به استخدام سرباز معلم و معلم حق‌التدریسی و دانشجو معلم و تدریس معاونین و خرید خدمات آموزشی می‌پردازند. در حالی که مشاغل مانند معلمی یکی از زمینه‌های اشتغال زنان در تمامی دنیا است. بهانه نیز، کسری بودجه دولت و کمبود بودجه وزارت آموزش و پرورش است. گذشته از آن که کمبود بودجه وزارت آموزش و پرورش مختص امسال و سال پیش نیست و سالیان متمادی این وزارتخانه با کمبود بودجه روبروست، اما در همین شرایطی که دولت مدعی کسری بودجه است، نه تنها از بودجه نهادهای سرکوب و نهادهای مذهبی کاسته نمی‌شود، بلکه برای تأمین "کمبود" بودجه آنان به صندوق توسعه ملی نیز دست‌درازی می‌شود و میلیاردها تومان بذل و بخشش می‌شود. به جز چپاول و غارت‌های چند میلیون و میلیارد دلاری مسئولان و مدیران رژیم و آفازدها و آخوندها، تنها در یک فقره گفته می‌شود ۲۷ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات به کشور بازگردانده نشده است و کک هیچ یک از مسئولان هم نمی‌گردد و به دنبال توجه آن برمی‌آیند. پرستاری یکی دیگر از عرصه‌های اشتغال زنان است. اما حتا در شرایط کنونی، یعنی شیوع یک اپیدمی، پرستاران با قراردادهای محدود استخدام می‌شوند و دولت حاضر به استخدام رسمی پرستاران و جبران کمبود پرستار مورد نیاز سیستم درمانی حتا برای شرایط عادی نیست.

از این همه تنها می‌توان نتیجه گرفت تبعیض

جنسیتی در بازار کار و سهم اندک زنان در این بازار (یک پنجم مردان شاغل) تنها ناشی از سلطه مردسالاری در این بازار و طمع و آز سرمایه‌داران برای بهره‌مندی از این نیروی کار ارزان نیست. جمهوری اسلامی در تمام دوران حاکمیت خود هدفمندانه کوشیده است با تبلیغ دیدگاه‌های مذهبی و زن‌ستیزانه، زنان را از تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیرون براند. در این راه از تصویب بخشنامه‌ها، فرامین حکومتی و تصویب و اجرای قوانین گوناگون و تبلیغ نقش‌های سنتی "خانه‌داری" و "فرزندزایی" برای زنان از هیچ کوششی دریغ نکرده است. طبق گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۱۹، ایران از نظر نابرابری جنسیتی در رتبه ۱۱۸، یعنی رتبه سوم از آخر جای گرفته است و طبق تحقیقات بانک جهانی در سال ۲۰۱۹، ایران از نظر برابری قانونی بین زنان و مردان در میان ۱۸۷ کشور دنیا، در رتبه‌های آخر قرار می‌گیرد.

یک نمونه آن، طرح مسئله افزایش جمعیت از سوی خامنه‌ای و پیگیری این سیاست از سوی نهادها و مسئولان رژیم است. خامنه‌ای از سال ۱۳۹۰ تاکنون بیش از ۴۲ بار در سخنرانی‌های خود بر "مسئله جمعیت و فرزندآوری" تأکید کرده است. در ۲۲ تیر ماه، در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی بار دیگر به این مسئله پرداخت. او در اردیبهشت ۹۳، سرانجام "سیاست‌های کلی جمعیت" را اعلام کرد. طبق این سیاست‌ها، در آبان ۹۴ طرح "جمعیت و تعالی خانواده" در مجلس تصویب شد. طرحی که طبق آن اولویت استخدام در کلیه بخش‌های دولتی و غیر دولتی به مردان متأهل و دارای فرزند و سپس زنان دارای فرزند و بعد از آن زنان متأهل تعلق می‌گیرد. در این طرح نقش مردان "اقتصادی" و نقش زنان "مادری و همسری" تعریف شد. او در نظر داشت با این طرح جمعیت ایران را به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر افزایش دهد. همان زمان بسیاری پیامد این طرح را "افزایش تبعیض جنسیتی"، "افزایش خشونت علیه زنان" و "عقب‌گردی بزرگ برای زنان" نامیدند. اکنون تقریباً ۶ سال پس از تصویب این طرح، آمار ازدواج و طلاق و مولدیت نشانگر شکست کامل این طرح است. طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور از سال ۹۲ تا ۹۸، تعداد ازدواج‌ها در کشور ۳۳ درصد کاهش داشته است. همچنین داده‌های سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸، نرخ تولد در مقایسه با سال ۹۳، ۲۲ درصد کاهش و در مقایسه با سال ۱۳۹۷، ۱۲ درصد کاهش داشته است. اما این طرح اگر در افزایش نرخ ازدواج و تولد تأثیر نداشته است، پیامدهای دیگری داشته است. افزایش آمار کودک همسری یکی از این پیامدهاست. طبق آمار رسمی، کودک‌همسری از ۷ درصد در سال ۸۸ به ۱۱ درصد در سال ۹۸ رسیده است. برخی یکی از علل افزایش این پدیده ناهنجار را وام ازدواج می‌دانند که می‌تواند به کودک‌همسری در خانواده‌های فقیر دامن بزند. وام ازدواج که در سه ماه اول سال ۹۵ حدود ۳ میلیون تومان بود، در بودجه سال ۹۵ به ۱۰ میلیون تومان رسید، در سال ۹۸ به ۳۰ میلیون

پیامدهای مهلک اقتصادی کرونا بر زنان

تومان و در سال ۹۹ به ۵۰ میلیون تومان برای هر یک از زوجین افزایش یافت. سرنوشتی جز این نیز انتظار نمی‌رفت. هنگامی که با تشدید بحران اقتصادی، تعداد هر چه بیش‌تری از مردم به زیر خط فقر رانده می‌شوند، هنگامی که روز به روز بر هزینه‌های زندگی افزوده می‌شود، هزینه مسکن و اجاره بها کمرشکن می‌شود، بیکاری به ویژه در میان جوانان افزایش می‌یابد، هیچ "فرمان حکومتی" و تبلیغات و بخشنامه و قانونی نمی‌تواند جایگزین واقعیت‌ها شود و اهداف این رژیم ارتجاعی دینی را متحقق کند.

در ۴۰ سال گذشته آنچه که رژیم به وفور بهره زنان کرده است، تبعیض، فقر، خشونت، بیکاری، سرکوب، توهین و تحقیر است. اما نباید تصور کرد پلشتی و رذالت بی‌نهایت رژیمی مذهبی، حس اعتراض و مقاومت و مبارزه را از زنان ربوده است. گواه آن، افزایش نقش زنان در جنبش‌های اعتراضی و مبارزاتی، به ویژه سالیان اخیر، است. از سال ۹۶ تاکنون اعتراض و اعتصابی خالی از حضور زنان، حتا به عنوان "میان‌دار و میدان‌دار" نبوده است. خواه در اعتراضات توده‌ای به گرانی‌ها، خواه در اعتصابات کارگری به عنوان عضوی از خانواده کارگران یا مدافع حقوق کارگران، خواه در جنبش دانشجویی، خواه در اعتصابات و اعتراضات معلمان و بازنشستگان، خواه در تجمعات مال‌باختگان، خواه در مطالبه حقوق بنیادین خود از جمله آزادی انتخاب پوشش. پتانسیل مبارزاتی زنان در ایران حاصل خشم انباشته از ۴۰ سال تبعیض و فقر است که در هر بزنگاه، مفری می‌جوید و چون آتش‌فشانی گداخته در خیابان‌ها جاری می‌شود. این خشم ناشی از ۴۰ سال خشونت و سرکوب است که زنان را به یکی از معترضان اصلی در جامعه بدل گردانیده است. سران رژیم نیز به پتانسیل مبارزاتی زنان آگاه‌اند و از آن هراسناک‌اند. از همین‌رو، در سرکوب و بگیر و ببندها، دختران و زنان مبارز این سرزمین را به مجازات‌های سنگین محکوم می‌کنند. اما، زهی خیال باطل. زنان تا رهایی از شر جمهوری اسلامی، تا برقراری حکومتی فارغ از قوانین ارتجاعی دینی، تا دستیابی به برابر حقوقی واقعی و تا رفع کلیه تبعیض‌های جنسیتی از تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از مبارزه باز نخواهند ایستاد.

احمد شاملو

بر کدام جنازه می‌گرید؟

بر کدام جنازه زار می‌زند این ساز؟

بر کدام مُرده پنهان می‌گرید

این ساز بی‌زمان؟

در کدام غار

بر کدام تاریخ می‌موید این سیم و زه، این پنجه نادان؟



بگذار برخیزد مردم بی‌لبخند

بگذار برخیزد!



زاری در باغچه بس تلخ است

زاری بر چشمه صافی

زاری بر لقاچ شکوفه بس تلخ است

زاری بر شرع بلند نسیم

زاری بر سپیدار سبز بالا بس تلخ است.

بر برکهء لاجوردین ماهی و باد چه می‌کند این مدیحه گوی تباهی؟

مطرب گورخانه به شهر اندر چه می‌کند

زیر دریاچه‌های بی‌گناهی؟



بگذار برخیزد مردم بی‌لبخند

بگذار برخیزد!

تصحیح و پوزش

شماره ۸۷۹ نشریه کارصفحه ۹ ستون یک پاراگراف اول، بعضی کلمه‌ها هنگام ادیت و صفحه بندی جابجا شده، ضمن پوزش از خوانندگان نشریه، پاراگراف به شکل زیر اصلاح می‌شود. " به راستی اگر بجای آن چند نفر که فراخوان تجمع اعتراضی در خیابان را دادند، نه ۱۰ میلیون توثیت کنندگان فضای مجازی، که فقط چند هزار نفر و حتا بسیار کمتر، تنها چند صد نفر خطر می‌کردند و فراخوان حرکت اعتراضی در زمین سخت جمهوری اسلامی را می‌دادند و به خیابان می‌آمدند، آیا باز هم نیروهای امنیتی رژیم قادر بودند به فاصله یک روز همه فراخوان دهندگان را شناسایی و دستگیر کنند؟ "

**ستم و تبعیض
بر پایه جنسیت
ملغا باید گردد**

پیامدهای مهلک اقتصادی کرونا بر زنان

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 880 July 2020

ارقام منتشره اخیر از سوی مرکز آمار نیز همین روند را در ایران نشان می‌دهد. بنا به این آمار، در حدود ۴۱ درصد کل جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) در بهار ۱۳۹۹ از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. آماری که در مقایسه با بهار سال گذشته حاکی از خروج ۲ میلیون و ۷۶ هزار نفر از بازار کار است. در میان ۴۱ درصد جمعیت فعال اقتصادی، ۹ / ۳۶ درصد شاغل بوده‌اند که نسبت به بهار ۱۳۹۸ دچار یک کاهش اشتغال ۹ / ۲ درصدی معادل ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر شده است. تفکیک جنسیتی این آمار نشان می‌دهد از میان حدود ۲ میلیون نفری که از بازار کار خارج شده‌اند، بیش از ۱ میلیون و ۲۰ هزار نفر زن و درصفا ۸

آوریل به ۱۴ / ۷ درصد و در ماه ژوئن به ۱۱ / ۱ درصد رسید. در اروپا پیش‌بینی می‌شود نرخ متوسط بیکاری به ۹ درصد برسد، با بالاترین نرخ ۱۹ / ۹ درصدی برای یونان و نرخ ۴ درصدی برای آلمان. در تمامی این کشورها، زنان از اولین گروه‌هایی بوده‌اند که بیکار شده‌اند و از افزایش اشتغال نیز سهم کمتری برده‌اند. برای نمونه، بین ماه‌های فوریه و آوریل در آمریکا بیش از ۱ / ۱۲ میلیون زن بیکار شدند، اما با رفع یا کاهش محدودیت‌های ناشی از کرونا و باز شدن کار و کسب‌ها و افزایش آمار اشتغال در ماه‌های مه و ژوئن تنها یک سوم از آنان توانسته‌اند به سر کار خود بازگردند. روندی که در سراسر جهان کم و بیش عمومیت دارد.



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی